

# دغدغه‌های اقتصادی کارشناسی و وسوسه‌های سیاسی سیاستمدار

از: بایزید مردوخی

پیشگفتار

کشور ما، ماهها و هفته‌های حساسی را اخیراً طی کرده، و اینک روزهای مهمی را می‌گذراند که طی آن تصمیمات سرنوشت‌ساز در زمینه‌های اقتصادی گرفته می‌شود: اصلاحات قانون اساسی با آثار سیاسی و اجرائی آن به تصویب رسیده، برنامه پنجساله توسعه اقتصادی - اجتماعی تهیه و تنظیم شده و با تغییراتی در آخرین مراحل فرایند تهیه و تنظیم به تصویب دولت رسیده و تقدیم مجلس گردیده، که این روزها در جریان تصویب نهائی است.

در انجام همه این اقدامات سرنوشت‌ساز، مسئولین کشور و مقامات دولت و جمع کثیری از کارشناسان در دستگاه‌های مختلف دولتی، به صورتی فشرده مشغول کار و تفکر بوده و هستند و بیشترین ارزش کاری خود را در همین ماهها، هفته‌ها و روزها مصروف این امور کرده‌اند. مردم نیز از طریق رسانه‌های عمومی در جریان این اقدامات قرار گرفته و بخشی نیز از طریق همان رسانه‌ها به بیان نظرات خود در این موارد پرداخته‌اند.

روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون که در این شرایط رسالت خطیری به عهده دارند، به بیان نظرات خود و صاحب نظران پرداخته‌اند. پاره‌ای از این اظهار نظرها، نظرات کارشناسی است. بعضی از آنها بیان نظرات شخصی و بخشی نیز مواضع و منافع گروهی خاص را در بردارد. در این نوشته سعی می‌شود ویژگیهای اظهار نظر کارشناسی و علمی در مورد مسائل اقتصادی و تفاوت‌های آن با اعلام نظرهای سیاسی و سیاستمدارانه بیان شود تا در این روزها که تصمیم‌های بزرگ اقتصادی گرفته می‌شود و تجدید ساختار نظام اقتصادی کشور در دستور کار است، بتوان اظهار نظرهای کارشناسی را از اعلام مواضع گروهی و تبلیغ عقاید و آراء تشخیص داد و از هر یک مطابق شان و جایگاه خود استفاده کرد. در این شرایط هم اظهار نظرهای کارشناسی صریح مورد نیاز است و هم اعلام مواضع و بیان عقاید و آراء. اختلاط این دو و مثلاً بیان مواضع و عقاید در پوشش ادعاهای کارشناسی، خدمتی در جهت عقلانی کردن تصمیم‌ها نخواهد بود.

\*\*\*

چندی پیش در صفحه اقتصادی یکی از روزنامه‌ها مقاله‌ای چاپ شده بود که با وجود درج اسم نویسنده‌ای در ذیل آن، قبل از شروع مطالب نویسنده، خود روزنامه تحت عنوان «اشاره» پاراگراف مختصری را به اهمیت اولویتها و برنامه‌ها بازسازی کشور اختصاص داده، و ضمن آن اشاره کرده بود به اینکه «مطلب حاضر توسط یک کارشناس تهیه شده است.»

مقاله فوق‌الذکر جمعاً از ۱۰۰۰ کلمه تجاوز

نظرات خویش را بر پایه اصول اقتصادی و بدور از گرایشها و منافع گروهی خاص ابراز نمایند. دادن عنوان کارشناسی به نظرات مبتنی بر منافع خاص، چه از سوی بیان‌کننده آن نظرات و چه از جانب ناشر آن، مایه گمراهی و یا دست کم ناشی از خطای محض است.

کارشناسان اقتصادی مستقل از جریانهای سیاسی حاکم و نایسته به گروه‌های ذینفع موجود در جوامع، هرگاه مایل به ایفای نقشی در فرایند سیاستگذاریهای عمومی اقتصادی کشور باشند - چه در مشاغل و مقامات در خدمت دولتها و یا ارگانهای حکومتی، چه به عنوان تحلیل‌گر مسائل اقتصادی در مطبوعات و سایر رسانه‌های گروهی یا تخصصی، و چه در مشاغل علمی و پژوهشی و آکادمیک - زمینه گسترده‌ای را برای تأثیر گذاری، در برابر خود گشوده می‌بینند و آن جانبداری از کارایی، طرفداری از کاربرد کارآمد منابع و دفاع از عامه شهروندانی که فاقد قدرت سیاسی و نمایندگی کافی در فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاستگذاری هستند، مبنی باشد.

در جوامع مختلف گروه‌های زیادی وجود دارند که خود را سخنگو و مدافع منافع عامه شهروندان می‌دانند. صرفنظر از صحت و یا سقم این ادعاها، کارشناس اقتصادی می‌تواند در عالم رقابت بین گروه‌های ذی نفوذ و در برابر فشارهای مستمر آنها، همواره به عنوان حامی توده‌هایی از مردم و مناطقی از کشور که به اندازه سایر اقشار و مناطق کشور از نمایندگی سیاسی و زبان رسا و گویا برخوردار نیستند، انجام وظیفه نماید و موجبات تغییر جهت سیاستهای عمومی اقتصادی را در جهت منافع آن توده‌ها و آن مناطق فراهم آورد.

علاوه بر این موارد، قلمرو دیگری نیز در مقابل کارشناسان اقتصادی مستقل و نایسته به منافع و جریانهای روز، گشوده است که معمولاً جز آنها هیچ فرد یا گروه دیگری از صاحبان منافع و یا مشاغل به آن توجه ندارد. این قلمرو وسیع و بی‌پایان، آینده دور و بلند مدت و مصالح آیندگانی است که در زمان حال فاقد هرگونه تشکل و سازماندهی و هرنوع سخنگو و مدافعی در صحنه بازار و یا در ارگانهای حکومتی جوامع مختلف هستند. یکی از بارزترین مصادیق این امر، محیط زیست و منابع طبیعی است که مکانیزم بازار تاکنون به هیچ‌وجه قادر به حفاظت آنها برای استفاده نسلهای آینده نبوده و بهره‌بردارهای بی‌رویه، موجب خسارهای هنگفت در موجودی رو به زوال آنها و خسران عظیم نسلهای آینده شده است. تلاشهایی که تاکنون اقتصاددانان برای جلوگیری از این خسارها به عمل آورده‌اند بی‌نتیجه مانده و مالیاتهای آلودگی که برای حفاظت از کیفیت هوا و آب از سوی آنها مطرح گردید، تا این اواخر به فراموشی سپرده شده بود. با این همه، تلاش برای حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی زوال‌پذیر که به آیندگان هم تعلق دارد، یکی از وظایف کارشناسان به ویژه کارشناسان اقتصادی مستقل بوده و به صورت

نمی‌کرد که چیزی کمتر از ۱۰۰ کلمه آن به توضیح و اباحت و یا بیان مقدمات اختصاص داشت و مابقی «باید‌ها و نباید‌ها» بود. یعنی در یک گزارش اقتصادی «کارشناسی» عملاً غیر از صدور احکام سیاسی و یارهنمودهای سیاستی، نکته‌ای علمی یا تحلیلی به چشم نمی‌خورد. برای این نوشته هرشان و منزلتی را ادعا کنند، آنرا نمی‌توان یک مقاله «کارشناسی» به حساب آورد. نمونه اینگونه مقاله‌ها یا مصاحبه‌های «کارشناسی» فراوان است، مقاله‌هایی که بیشتر خطابه - قطعه‌نامه‌هایی هستند که آگاهانه یا سهل‌انگارانه و یا سهواً به عنوان نوشته‌ها و نظرات «کارشناسی» چاپ و منتشر می‌شوند.

این نوشته گرچه انگیزه از آن مقاله به طور خاص و اینگونه مقالات به طور کلی، برگرفته، به هیچ وجه باسخی یا نقدی به نتایج و یا احکام صادره آنها نبوده و لذا از ذکر مآخذ آن مقالات خودداری شده و به روش و متدولوژی بیان و شیوه استدلال اقتصادی در آنها می‌پردازد.

بدون شک بیشتر اقتصاد دانان امیدوارند که آثار و نوشته‌های آنها تأثیری بر روی سیاستهای اقتصادی جامعه داشته باشد، همانطوری که پزشکان خواستار ایفای نقشی در بهداشت عمومی و سلامت افراد جامعه هستند. اما اقتصاد برخلاف بهداشت؛ قلمرو منافع، سلطه و کسب اقتدار است و در نتیجه همواره علاوه بر اینکه موضوع اصلی اداره و نظارت دولتها بوده، وسوسه بسیاری از افراد و گروه‌های اجتماعی و سیاسی را برانگیخته و تنها عرصه نگرانیها و دغدغه‌های کارشناسی و علمی اقتصاد دانان نیست.

سیاستهای عمومی اقتصادی جامعه از طریق فرآیندی شکل گرفته و تعیین می‌شود که اساس و پایه آن بر مذاکرات سیاسی ما بین گروه‌های ذینفع و دیگر طرفداران مکاتب فکری و ایدئولوژیهای موجود در جامعه استوار است. کارشناسان اقتصادی در صورتیکه بخواهند در جریان شکل‌گیری سیاستهای اقتصادی جامعه، تأثیر گذاری کنند می‌توانند یکی از دو نقش زیر را احراز و ایفاء نمایند: ۱) به صورت مدافع مکتب فکری یکی از گروه‌های ذینفع در جامعه درآیند، ۲) به صورت کارشناس اقتصادی مستقل، طرفدار و مروج کارایی و کاربرد کارآمد منابع جامعه انجام وظیفه نمایند.

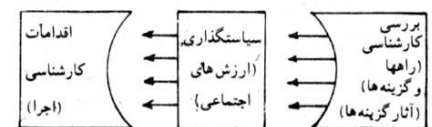
افرادی که مدافع مکتب فکری خاص و یا عضو یکی از گروه‌های ذینفع در جامعه هستند، اعم از اینکه متخصص اقتصادی باشند یا نباشند، ناگزیرند در چارچوب همان مکتب و یا منافع همان گروه اعلام نظر نمایند و فقط در صورتیکه چنین کنند، دارای اعتبار و منزلت اجتماعی خاص خویش و گروه خویشند. در اینصورت از آنها به عنوان «کارشناس» نام برده نمی‌شود مگر آنکه سعی کنند

دولتهای تعداد زیادی از کشورهای صنعتی حدود یک پنجم از درآمدهای خود را از محل مالیاتها و عوارض وضع شده برالودگی تامین خواهند کرد و بیشترین بخش از درآمدهای مذکور از محل مالیات کربن خواهد بود<sup>(۱)</sup>

### تحول نقش کارشناس اقتصادی در کشورهای پیشرفته

برداشتهای جدیدتری که در مورد نقش اقتصاددانان کارشناس وجود دارد، برخلاف برداشت سنتی قبلی که ما بین سیاستگذاری و اداره امور اجرایی قابل به جدائی و دوگانگی بود، سیاستگذاری را امری می دانند که از دوسوتوسط کارشناسان متخصص ساوندویج می شود. در آغاز اقتصاددانان و سایر متخصصان راهها و گزینه های مختلف را تعریف می کنند و سپس فهرست اقدامات ممکن از لحاظ اجرایی و فنی را برای انتخاب سیاسی تنظیم می کنند و در عین حال آثار اقتصادی و غیر اقتصادی هر گزینه را نیز برآورد می کنند. در مرحله بعد، این مسئولیت فرآیند سیاسی است که با سبک و سنگین کردن ارزشهای اجتماعی در قبال این انتخابها و گزینه ها، راه حل مرجح از نظر اجتماعی را برمی گزینند. در مرحله سوم، باز هم کارشناسان متخصص در رشته های مختلف هستند که مجدداً به میدان می آیند و آنچه را که در تصمیم گیری های سیاسی قطعی شده است، به اجرا در می آورند.

برداشت دیگری نیز وجود دارد که براساس آن ارزشهای اجتماعی به صورت برونزا معین نمی شوند بلکه در جریان ارتباط متقابل و مستمر مابین ارگانهای قانونگذاری، قضائی و اجرایی شکل می گیرند. طبق این نظر اقتصاددانان نباید به انتظار تعیین ارزشهای اجتماعی در این فرآیند پیچیده و طولانی بیکار بنشینند. خود آنها نیز که در این فرآیند حضور دارند، بایستی در میانه رقابتهای



برداشت دیگری نیز وجود دارد که براساس آن ارزشهای اجتماعی به صورت برونزا معین نمی شوند بلکه در جریان ارتباط متقابل و مستمر مابین ارگانهای قانونگذاری، قضائی و اجرایی شکل می گیرند. طبق این نظر اقتصاددانان نباید به انتظار تعیین ارزشهای اجتماعی در این فرآیند پیچیده و طولانی بیکار بنشینند. خود آنها نیز که در این فرآیند حضور دارند، بایستی در میانه رقابتهای

● دادن عنوان کارشناسی به نظرات مبتنی برمنافع خاص، چه از سوی بیان کننده آن نظرات و چه از جانب ناشر آن، مایه گمراهی و یا دست کم ناشی از خطای محض است.

● اظهار نظرهایی که در مسائل اقتصادی جامعه ما صورت می گیرد، گاه چنان متنوع، متضاد و آلوده به جنبه های غیر علمی و غیر تخصصی است که عرصه را بر نظرات کسانی که در حد کارشناس، صلاحیت اظهارنظر دارند، تنگ کرده است.

● کارشناسان اقتصادی غالباً با طرح سئوالهای ساده اما اصولی، که دیگران مایل یا قادر به طرح آنها نیستند، می توانند بیشترین تاثیر را در جریان تصمیم گیری ها و سیاستهای عمومی اقتصادی اعمال کنند.

● بوروکرات هایی که فاقد کارآفرینی سیاست اقتصادی اند و به هر دلیلی مسندی را اشغال کرده و به همان دلیل خود را متولی معبد سیاستهای اقتصادی مرسوم می دانند، هرگز قادر به کارآفرینی در قلمرو سیاستهای عمومی اقتصادی و یا ابداع و پیشبرد و تحقق سیاستهای جدید نخواهند بود.

شدیدی که بین گروه های ذینفع جامعه، و بررسيها و مباحثاتی که در درون ارگانهای مختلف تصمیم گیری دولت وجود دارد، به عنوان مدافعین کارایی در جامعه و حامیان گروه های مستضعف مردم و مناطق محروم کشور اظهار نظر بنمایند. اقتصاددانان برای این منظور نه تنها باید علم اقتصاد را به خوبی فراگیرند، بلکه خود را با تاکتیکها و روشهای سیاسی نیز مجهز نمایند، زیرا مهارتها و تاکتیکهای سیاسی از همان اهمیت دانش علمی و فنی برخوردارند.

کارشناسان اقتصادی غالباً با طرح سئوالهای ساده اما اصولی، که دیگران مایل یا قادر به طرح آنها نیستند، می توانند بیشترین تاثیر را در جریان تصمیم گیریها و سیاستهای عمومی اقتصادی و در جهت رعایت بیشتر کارایی در سیاستهای مزبور اعمال نمایند. کارشناسان اقتصادی، به عنوان مدافعین کارایی و سایر اصول اقتصادی، نباید صرفاً در مقابل مخالفتی که با استناد به ارزشهای اجتماعی متفاوت، راه حل های دیگری را تبلیغ می کنند از میدان بدر روند. زیرا همانطوریکه قبلاً گفته شد و مشاهدات تاریخی نیز نشان داده است، ارزشهای اجتماعی در عمل و در جریان سیاستگذاریهای اقتصادی به ندرت از پیش تعیین شده و به صراحت بیان شده و مورد تفاهم بوده، بلکه به عکس، همواره در جریان برخورد منافع و افکار در عالم سیاست و در درون فرآیندها و سازمانها تعیین می شود. کارشناسان اقتصادی نیز فقط از طریق بافشاری بر اصول اقتصادی و

شیوه تفکر اقتصادی خویش و ارزشهای ضمنی آنست که می توانند از حدود و دامنه واقعی حمایت عامه از این اصول، افکار و ارزشها آگاهی حاصل نمایند. از اینرو می توان گفت که رد مشارکت کارشناسان اقتصادی در فرآیند تصمیم گیریهای مربوط به سیاستهای عمومی اقتصادی، به نوعی طرد اصول اقتصادی کارایی و کاربرد کارآمد منابع جامعه به شمار می رود.

اقتصاددانان برای ایفای نقش سازنده ای در جریان سیاستگذاریهای عمومی اقتصادی، به انواع متفاوتی از مهارتها نیازمندند و تنها دانشهای مرسوم آنها مثل قدرت انجام تحلیل هزینه - فایده طرحها برای این منظور کافی و کارساز نیست. در این عرصه آنچه که مورد نیاز است توانایی نفوذ و نقد در مباحث ارزشها و تئوریهای اجتماعی و سیاسی است. داشتن استعداد و ظرفیت انجام تفکری صائب و منطقی درباره مسائل ریشه ای و عمیق، به جای سهولت در کاربرد فنون تحلیلی تخصصی، کلید موفقیت در این عرصه است. زیرا در فرآیند تصمیم گیریهای سیاسی و اقتصادی، اقتصاددانان با جدلهای ایدئولوژیکی رو به رو می شوند که اگر بخواهند در پذیرش نقش جدید خود به عنوان مدافعین افکار و اصول اقتصادی در مقابل حملات ایدئولوژیکی موفقیتی کسب کنند، به ناچار باید به صورت تحلیل گران نقاد منطق و مبنای استدلالی معارضین ایدئولوژیکی عمل نمایند. برای این منظور، آنها باید بر ارتقاء مهارتهای نگارشی خود، قرار دادن مطالعات مربوط به سیاستهای اقتصادی در يك چارچوب تاریخی و نهادی، کسب آگاهیهای بیشتر نسبت به عوامل سیاسی و کاربرد این عوامل به طور مستقیم در تجزیه و تحلیلهای خود و به طور کلی توجه به ملاحظاتی که دامنه ای بسیار وسیعتر از آنچه که معمولاً مورد توجه اقتصاددانان است، تاکید بنمایند. چنین اقتصاددانانی با وجود کسب اینهمه مهارت، تنها در صورتی موفق به ایجاد تغییرات اساسی در روند سیاستهای عمومی اقتصادی کشور خواهند بود که بتوانند نقش يك کارآفرین مبتکر و خطر جو را در عالم ترویج اصول اقتصادی به عهده بگیرند. کارآفرین سیاست اقتصادی<sup>(۲)</sup> همچون کارآفرینان صنعتی باید دارای خصائل از قبیل پشتکار، قریحه، دانش اقتصادی، قدرت جلب اعتماد و حمایت دیگران، قدرت سازماندهی، و توانایی برقراری روابط عمومی مناسب و کارساز با رسانه های گروهی و مراکز قدرت حکومتی باشد تا بتواند تغییر يك سیاست عمومی اقتصادی و یا پذیرش يك سیاست اقتصادی جدید را چه در سطح مراکز تصمیم گیری جامعه و چه در نزد افراد و گروههایی که از آن سیاست متأثر می شوند، محقق سازد. بدیهی است کارآفرینی در قلمرو سیاست اقتصادی، موکول و مشروط به احراز مقامات بالای سیاسی یا اقتصادی و نزدیکی به مراکز اصلی تصمیم گیری و قدرت دولت می باشد. بوروکراتهایی که فاقد خصائل کارآفرینی فوق الذکرند و به هر دلیلی که مسندی را اشغال کرده اند و صرفاً به همان دلیل خود را متولی معبد سیاستهای اقتصادی مرسوم می دانند، هرگز قادر به کارآفرینی در قلمرو سیاستهای عمومی اقتصادی و یا ابداع و پیشبرد و تحقق سیاستهای جدید نخواهند بود. دوشخصه عمده کارآفرینان موفق در قلمرو سیاست اقتصادی در کشورهای

بمختلف و تا به امروز - علاوه بر همه صلاحیتها و بهارت ها - مبلغ و معلم بودن آنها بوده است.<sup>(۳۴)</sup>

## جایگاه کارشناس اقتصادی و شیوه تحلیل اقتصادی در جامعه ما

در کشور ما هنوز نزد بسیاری از افراد، مرزبندی مشخصی بین عناوین و مفاهیمی مثل «کارشناس»، «سیاستمدار»، «مبلغ سیاسی و عقیدتی»، «تفسیر»، «تحلیل» و «خطابه» وجود ندارد، و پاره‌ای از افراد به محض احساس قدرت بیان و قلم، لازم می‌بینند تا نظراتشان را به عنوان «کارشناس» مطرح سازند، در حالیکه اگر نظرات خود را از همان مواضع واقعی خویش به عنوان «مفسر»، «مبلغ» یا «خطابه نویس» و امثالهم مطرح می‌کردند، اعتبار بیشتری به نظرات خویش می‌بخشیدند - چرا که اعتبار و مشروعیت هر فرد از جایگاه صلاحیتی خویش واقعی تر و بیشتر قابل احترام است تا از جایگاههای ادعائی و غیر واقعی. پاره‌ای از افراد نیز به دلیل مشروعیتهائی جدا از صلاحیت علمی و تخصصی و صرفاً به خاطر دسترسی به مسندی، تریبونی و یا میکروفونی و یا به جهت در اختیار داشتن خوانندگان و شنوندگانی مطیع (غالباً زیردستان سلسله مراتب سازمانی و تشکیلاتی که به نقد و یارد نظر بالا دست عادت نکرده‌اند) خود را کارشناس و واجد صلاحیت علمی می‌شناسند. دسته دیگر، افرادی هستند دارای همان خصوصیات دسته اول که مشروعیت خود را از صلاحیتهای علمی و تخصصی پرنگرفته‌اند، لیکن به نام «کارشناس» به تبلیغ مواضع گروهی و دفاع از منافع خاص طبقاتی خویش می‌پردازند. این افراد نظرات و سخنان خود را صریحاً به مواضع گروهی و منافع طبقاتی خویش مستند نمی‌کنند، بلکه به نام کارشناس به نظرات جانبدارانه خود مشروعیتی علمی و قانونمند می‌دهند و از این رهگذر خوانندگان و شنوندگان خود، اعم از مسئولین و سیاستگذاران و یا عامه مردم را، دچار شبهه و گمراهی می‌نمایند.

دسته دیگری از افراد که غالباً در خصوص مسائل اقتصادی اظهار نظر می‌کنند، صاحبان کسب و کار و یا مردم عادی هستند که به صورت مصرف کننده و یا تولید کننده دائماً تحت تاثیر مسائل و سیاستهای اقتصادی می‌باشند. نظرات این شهروندان از آنجائیکه برخاسته از آگاهیهای اقتصادی شخصی مواضع عادی و روزمره و پالاخص مسائل و مشکلات اقتصادی خود آنهاست، منبع ارزشمندی است برای سیاستمداران و سیاستگذاران اقتصادی، تا با علم به نظرات و خواسته‌های مردم، خط مشی‌ها و سیاستهای اقتصادی را با مسائل و خواسته‌های مردم نزدیکتر و سازگارتر نمایند. زبان و بیان نظرات ایندسته از افراد کمتر آمیخته به صدور احکام و ادعاهای کارشناسی و فاضلانیه یا قسطنقروشانه است و به همین جهت برخوردار از صراحت و صداقت می‌باشد.

بررسی علل و عواملی که شیوه بیان و تحلیل مسائل اقتصادی را در این جامعه بدینگونه متنوع و مبهم ساخته است، نیاز به اندکی بررسی تاریخی و تطبیقی سایر جوامع دارد. از زمانهای بسیار دور مردم و جوامع انسانی با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند که مهمترین آنها مسائل شخصی بوده که برای رفع آنها در جستجوی

تشخیص علت و معالجه بر می‌آمدند. لذا در گذشته‌های دور، کسانی به اسم کارشناس اقتصادی که مورد مشورت قرار گیرند، به صورتی که در نیم قرن اخیر در کشورهای پیشرفته مرسوم شده، وجود نداشته‌اند. در آن روزگاران فقط حکمای قدیم بوده‌اند که با خطابه‌ها و رساله‌های خود به بیان مسائل اجتماعی و اقتصادی می‌پرداختند و حکام محلی و دولت‌ها، از آن رساله‌ها استفاده می‌کردند.

مهمترین مسائل و مشکلات فردی در آن روزگاران که نیازمند تشخیص و معالجه و مداوا بوده، بیماری و درد و مرض بوده و تنها کارشناسان آن زمان کسانی بودند که به چاره درد و تیمار زخم می‌پرداختند. کار این کارشناسان که معادل پزشکان امروزی بودند، بامعیاریهای جدید، کاری در حد جادوگری و رمالی بوده است. تکلیف این حرفه با پیشرفتهائی که در علوم و دانشهای طبیعی و زیستی حاصل شده، خیلی زودتر از سایر حرفه‌ها روشن شده و صاحبان دانش و تخصص پزشکی یعنی «کارشناسان» امور زیستی، بهداشتی و درمانی، گلیم خود را از زیرپای باقیمانده جادوگران شفا دهنده (معاصر) بیرون کشیده‌اند. در اکثر جوامع حد و مرز حرفه پزشکی معین شده و شفا دهندگان غیر پزشک دیگر جانی در بین مردم ندارند. و سواس در مرزبندی بین کارشناس و غیر کارشناس در حرفه پزشکی، امروزه چنان بالا گرفته که هم بیماران به شیوه‌های گوناگون از تجربه و تخصص و حسن شهرت پزشکان اطلاع پیدا می‌کنند و هم خود پزشکان برای پاسخگویی به این نیاز بیماران، رشته تخصصی، و دانشگاهی که از آن مدرک پزشکی گرفته‌اند و حتی عضویتهای خود را در انجمن‌ها و محافل علمی و تخصصی بر روی تابلوهای مطب خویش اعلان کرده و در معرض دید مراجعین قرار می‌دهند. اضافه بر این نیز داروخانه‌ها بدون ذکر شماره عضویت پزشکان در نظام تخصصی آنها، از قبول نسخه آنها و دادن دارو به بیمار خودداری می‌کنند. البته درباره‌ای از نقاط کوچک و عقب مانده بعضی از کشورها، هنوز ممکن است افرادی پیدا شوند که در اثر جهالت خود و یا استفاده از جهل و فقر نسبی توده‌های مردم، به کار تیمار و درمان از طریق جادو و جنبل مشغول باشند، اما نکته مهم آنست که این افراد هم دیگر خود را کارشناس امور زیستی و درمانی نمی‌دانند و تابلوئی با این ادعا بر سر درخانه‌های خویش نصب نمی‌کنند.

در امور فنی و تولیدی، از قدیم الایام افرادی متخصص و مجرب در هر زمان در جوامع مختلف وجود داشته، که دانش فنی و مهندسی امروز مدیون تلاشهای اولیه آنها و در واقع نتیجه علمی شدن تجارب و دستاوردها و روشهای آنها می‌باشد. این حرفه نیز در جوامع امروز، قلمرو خود را کم و بیش متمایز ساخته و افرادی کارشناس فنی شناخته می‌شوند که دارای آموزشهای رسمی فنی و تخصصی و دانشگاهی باشند و از لحاظ نظری و عملی نظامهای فیزیکی، مکانیکی و شیمیائی و قانونمندیهای آنها را به خوبی دریافته و در عمل تجربه کرده باشند.

امروزه حتی شهرداری یک شهر کوچک هم اگر قرار است ساختمان یک خانه کوچک مسکونی را از نظر فنی گواهی کند، امضای یک کارشناس (مهندس صاحب صلاحیت) را بر روی نقشه

ساختمان ملاک قرار می‌دهد. تکلیف ساختمان‌ها و پل و کارخانه و بیمارستان و مجتمع‌های بزرگ مسکونی و اداری، ساخت و راهبری ماشین، هواپیما، لکوموتیو، کشتی و فضاپیما نیز به طریق اولی روشن است و افراد فاقد صلاحیت حتی جرات و قدرت نزدیک شدن به آنها را ندارند - چه رسد به آنکه خود را کارشناس آن امور بدانند.

تنها قلمرو باقیمانده که در معدودی از جوامع امروزی هنوز هم در همان حال و وضع عهد ظلمات باقیمانده، قلمرو مسائل اقتصادی است، به طوریکه هنوز در این قلمرو انواع متخصصان قدیم و جدید مثل جادوگران، رمالان، پیشگویان، آئینه‌بینها، کارشناسان، سیاستمداران، سیاست بازان، مبلغان عقاید و آراء و صاحبان منافع طبقاتی خاص، صاحبان کسب و کار، مصرف کنندگان و تولید کنندگان، به اظهار نظر و تشخیص و ارائه طریق می‌پردازند. اظهار نظرهایی که در مسائل اقتصادی جامعه ما نیز صورت می‌گیرد، گاه چنان متنوع، متضاد و آلوده به جنبه‌های غیر علمی و غیر تخصصی است و حجم و مقدار آنها چنان کثیر و انبوه است که عرصه را بر نظرات کسانی که در حد کارشناس، صلاحیت اظهار نظر دارند تنگ کرده است.

روش‌های تشخیص و چاره مسائل و مشکلات اقتصادی در نزد هر یک از این گروه‌ها متفاوت است. کار جادوگران و رمالان اقتصادی، در مبحث «روش» قابل بررسی نیست، زیرا آنها خود را شهروند جهانهای ناشناخته می‌پندارند و دانسته‌های خود را متعلق به عوالم نامکشوف برای افراد عادی میدانند. همانطوریکه جادوگر شفا دهنده عصر نوسنگی، ممکن بود با مشاهده پیشاب مریض، سردرد او را ناشی از خشم روح سرگردان ملخهای کوبری تشخیص دهد، و معالجه را قراردادن ضماد مورچه زرد رنگ بالدار ساکن قبرستانهای متروک بر زخم یا بوی مجروح قبیل، تعیین نماید، جادوگران و رمالان اقتصادی نیز ممکن است راه حل معضلات اقتصادی را بدون ارائه هیچ دلیل و تحلیلی، ارزش کاهی پول ملی، استقرار خارجی، پیوندزدائی با خارج یا ادغام در بازارهای جهانی، گسترش صنایع یا توسعه کشاورزی، اتخاذ استراتژی کار بر یا سرمایه‌بر، قلع و قمع مصرف کنندگان یا تولید کنندگان، و یا... توصیه نمایند و ذیل توصیه نامه خود را امضاء کنند: «کارشناس» یا «استاد» و یا...

پیشگویان اقتصادی هم گاهی به پیش بینی روند مسائل اقتصادی در آینده پرداخته و همانطور که از اسم آنها پیداست به تحلیل روند گذشته و وضع موجود و ارائه راه حل علاقه‌ای ندارند. ایندسته از «کارشناسان» اقتصادی به اصول حرفه خود وفا دارند و از آن تجاوز نمی‌کنند. لذا هرگز به نسخه‌نویسی و معالجه و صدور احکام «باید» و «نباید» نمی‌پردازند.

از آنجائیکه این جادوگران و پیشگویان اقتصادی، همچون اسلاف خویش در اعصار قدیم، هرگز به پرورش و یا تکثیر امثال خویش علاقمند نیستند، هیچگاه روشهای تحلیل و تشخیص و معالجه و پیشگویی خود را در هیچ کتاب یا مقاله اقتصادی که به رشته تحریر درآمده و در مجله‌های معتبر اقتصادی مورد استناد یا نقد و بررسی قرار گیرد، منتشر و علنی نموده‌اند. از اینرو نمی‌توان از دیدگاه روش و متدولوژی کار آنها را ارزیابی کرد.

## گزیده‌های از نتایج سرشماری عمومی کشاورزی



### بهره برداریهای کشاورزی

بر اساس نتایج نمونه ۲/۵ درصد سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷، مجموع بهره‌برداریهای کشاورزی، اعم از بهره‌برداریهای مربوط به خانوارها و یا بهره‌برداریهای کشاورزی مربوط به اشخاص حقوقی (شرکتها و موسسات عمومی)، ۳۳۱۲۷۱۴ بهره‌برداری برآورد می‌شود. از این تعداد ۲۸۰۰۹۲۰ بهره‌برداری (۸۴/۶ درصد) «بهره‌برداری با زمین است» به بیان دیگر، هر یک از این بهره‌برداریها، حداقل دارای یکی از فعالیت‌های زراعت و باغداری است، سایر بهره‌برداریها که منحصراً دارای یک یا چند فعالیت پرورش دام، ماکیان، گرم ابریشم، زنبور عسل، گل و گیاهان زینتی (در فضای بسته) و یا ماهی هستند به ۵۱۱۷۹۴ واحد بالغ می‌شوند. طبقه بندی بهره‌برداریهای کشاورزی بر حسب فعالیت نشان می‌دهد گروهی که فقط دارای فعالیت زراعت و پرورش دام است با ۵۴۰ هزار بهره‌برداری، گروهی که فعالیت آن، ترکیب فعالیت‌های زراعت، پرورش دام و باغداری است، با ۵۰۸ هزار بهره‌برداری و گروهی که فقط دارای فعالیت زراعت است، با ۳۷۳ هزار بهره‌برداری در ردیفهای اول تا سوم قرار گرفته‌اند. این سه گروه جمعاً ۵۱ درصد بهره‌برداریهای بازمین، و معادل ۴۳ درصد کل بهره‌برداریهای کشاورزی را شامل می‌شوند.

کل اراضی کشاورزی (اراضی زراعی، باغ و قلمستان) در سال ۱۳۶۷، ۱۶/۹ میلیون هکتار برآورد می‌شود که ۵/۴ میلیون هکتار آن (معادل ۳۲ درصد) آیش بوده است، از ۱۱/۵ میلیون هکتار اراضی زیرکشت (شامل زراعت، باغ و قلمستان) ۵/۶ میلیون هکتار آبی و ۵/۹ هکتار دیم است.

از اراضی آبی ۴/۶۰ میلیون هکتار به زراعت و ۱/۰ میلیون هکتار به باغ و قلمستان و از اراضی دیم، ۵/۷ میلیون هکتار به زراعت و ۰/۲ میلیون هکتار به باغ و قلمستان اختصاص یافته است. متوسط مساحت اراضی هر بهره‌برداری با زمین در کل کشور ۶/۰۲ هکتار می‌شود که ۱/۹۲ هکتار از آن آیش، ۳/۶۸ هکتار زراعت و ۰/۴۳ هکتار باغ و قلمستان است.

نقل از: سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ (بر اساس نتایج دو و نیم درصد خانوارهای بهره‌بردار کشاورزی) مرکز آمار ایران

دیگر مقاله حکم شده است که: «... باید استفاده کنندگان اصلی این تأسیسات در شکل... و با کمک... اقدام نمایند و راه حل... معقول به نظر نمی‌رسد». در این جا دیگر لازم به توضیح نیست که کارشناس، بی دلیل «باید» نمی‌گوید و به خود اجازه نمی‌دهد که بدون ذکر دلیل و برهان راه حلی را «غیر معقول» بنامد. زیرا کارشناس خواهد پرسید غیر معقول برای چه کسی؟ و به استناد تعقل کدام فرد و یا کدام گروه از افراد؟ مگر همگان بر سر آنچه که معقول نامیده می‌شود، توافق کرده‌اند؟

غرض از ذکر این مثال، آنهم به اینصورت مقطع و بریده، صرفاً اشاره به نمونه‌ای است از آنچه که به صورت روزمره به عنوان تحلیل و نظر کارشناسی و علمی ارائه می‌شود. این عادت آنچنان مزمن و مسری شده که عوارض و یا نمونه‌هایش در نظراتی که بعضی از اساتید در مصاحبه‌ها و سخنرانیهای خود اظهار کرده‌اند،

قابل مشاهده است. بیان احکام و نتیجه‌گیریهایی که متکی بر هیچگونه تشخیص و تحلیل دقیق و علمی مسائل اقتصادی و یا حتی مبتنی بر مطالعه دو ساعته متون مورد تهاجم و یا مورد تأیید نمیباشد، چیزی جز جادوگری اقتصادی به حساب نمی‌آید. جدا کردن حد و مرز تحلیل و اظهار نظر کارشناسی اقتصادی، از قلمرو آوازه‌گیریهای گمراه کننده و یا فضل فروشانه، وظیفه اساتید و دست اندرکاران آموزشهای اقتصادی است.

هنگام آنست که مطبوعات نیز در خصوص مسائل اقتصادی، بین نظرات کارشناسی و تخصصی و نظرات متکی بر مواضع سیاسی و گروهی تمیز قابل شوند و اعتبار و اهمیت هر یک را در جای خود نگاه دارند. حداقل فایده اینکار اینست که خوانندگان را از دیدگاههای کارشناسی و نظرات متکی بر مواضع گروهی بدون اختلاط و ابهام آگاه خواهند ساخت.

با اینکار سیاستگذاران و مسؤولین سیاستهای اقتصادی کشور نیز از نظرات صریح مردم، کارشناسان و گروه‌های ذی‌نفع و ذینفع بهتر و بیشتر مطلع خواهند شد - اطلاعی که بدون شک به آن نیازمندند و در تصمیم‌گیریهای آنها مؤثر خواهد بود.

### مآخذ و یادداشت‌ها

1. The Economist, May 13, 1989  
2. کارآفرین سیاست اقتصادی «Economic Policy Entrepreneur» کسی است که در پی به کرسی نشاندن سیاست اقتصادی معینی که از نظر او سیاست مفیدی برای جامعه است از پای نمی‌نشیند و آنرا تبدیل به سیاست عمومی اقتصادی کشور می‌کند. از میان نمونه‌های اینگونه افراد می‌توان در حال حاضر گورباچف رهبر اتحاد شوروی و اوزال رئیس جمهوری ترکیه را نام برد. مارگریت تاچر نخست‌وزیر انگلستان نیز در استمرار و با فشاری بر سر سیاستهای اقتصادی خاص از شهرت برخوردار است و بعضی‌ها او را تا حد طراح یک شیوه مدیریت اقتصادی عمومی قبول دارند.

3. McCraw, Th. K., «Prophets of regulation», Cambridge, MA: Harvard University Press, 1984.  
4. Nelson, R.H., «The Economics Profession and the Making of Public Policy», Journal of Economic Literature, Mar. 1987.

سیاست بازان و مبلغان عقاید و آراء مبتنی بر منافع و مواضع گروهی، در تشخیص مسائل و مشکلات اقتصادی و تعیین راه حل رفع و اصلاح آنها، بر مصلحت‌های شخصی یا گروهی، گرایشهای خطی، منافع خاص و در بعضی موارد نیز به خوشبختی لحظه‌ای و فی‌المجلس خوانندگان و شنوندگان و یا بخشهای خاصی از مردم تکیه دارند. از اینرو تشخیص و تحلیل مسائل و مشکلات اقتصادی و ارائه راه حلها توسط اینگونه افراد، وقتی که بر مسند، پشت تریبون و یا در مقابل دوربین قرار می‌گیرند، با زمانی که در جمعهای کوچک و یا در جلسات محدود هستند، کاملاً متفاوت است. تا زمانی که این افراد به اعتبار موضع و موقعیت اقتصادی - اجتماعی خود اظهار نظر و ارائه طریق می‌کنند، لاقلاً از نظر اخلاقی قابل ایراد نیستند (هر کسی می‌تواند اعتقاد و باور خود یا گروه خود را درباره مسائل اقتصادی بیان کند). ایراد و اشکال کار اینها وقتی بروز می‌کند که به عنوان «کارشناس» اظهار نظر کرده و قصد دارند مواضع و باورهای خود را نه به عنوان نظرات خود یا گروه خود، بلکه به عنوان قانونمندیهای علمی در مسائل اقتصادی جامعه مطرح و معرفی نمایند. لازم به توضیح است که صلاحیت هر فرد در هر موضع و جایگاه اجتماعی، اقتصادی، اداری و یا سیاسی، به اعتبار همان مواضع و جایگاه‌ها معتبر است و اظهار نظرهایی که به اعتبار این مواضع و جایگاهها صورت می‌گیرد، شنیدنی تر و خواندنی‌تر از اظهار نظرهای کارشناسان ناشناخته یا افرادی است که در عالم تخصصی و کارشناسی هنوز اعتباری کسب نکرده‌اند.

برای ارائه نمونه‌ای از خروار، ذیلاً به تشریح مقاله‌ای که در آغاز این نوشته به آن اشاره شد می‌پردازیم. همانطوریکه گفته شد، این مقاله جمعاً از ۱۰۰۰ کلمه تشکیل شده و فقط ۱۰۰ کلمه آن مربوط به توضیح و اباحت و یا بیان مقدمه احکام صادره در آن است و بقیه آن «بایدها و نبایدها»ی است که بدون هیچگونه تجزیه و تحلیل مبانی این احکام و نحوه رسیدن به آنها، با حدود ۹۰۰ کلمه بیان شده است. در این مقاله «کارشناسی» وقتی از سطر دوم می‌خوانید «... که مایه تأسف است و پیشنهاد میگردد، حذف شود» پیداست که نویسنده از جمله سایر مصادیق بحث ماست و «کارشناس» نیست، زیرا تنها دلیلی که برای حذف یک سیاست ارائه کرده اینست که آن سیاست «مایه تأسف» است. یک کارشناس به عوض اظهار تأسف، آنچه را که مایه تأسف خواهد بود به اثبات می‌رساند. اظهار تأسف از چه؟ از اینکه سیاستی مخالف اعتقاد نویسنده بوده و یا مطلبی مغایر با طرز فکر او اظهار شده است؟ کارشناس به شنیدن مخالفت و انتقاد دیگران عادت دارد و هیچگاه با یک اظهار تأسف خالی نمی‌تواند نظر خود را به کرسی بنشاند و یا نظر دیگری را از میدان بدر کند - اینکارها فقط در عالم تبلیغات ناصواب، سیاست بازیها و خط بازیها امکانپذیر است.

در جای دیگری از همان مقاله آمده است: «اگر قرار است در زمینه... از... استفاده شود، بهتر است صرفاً از طریق... اقدام گردد». این بیان نیز یک بیان کارشناسی نیست: برای چه کسی بهتر است؟ چرا صرفاً از طریق... باید اقدام گردد؟ اینگونه احکام شبیه معالجه و مداوانی است که جادوگر عصر نو سنگی برای علاج سردرد تجویز می‌کرد. در جای